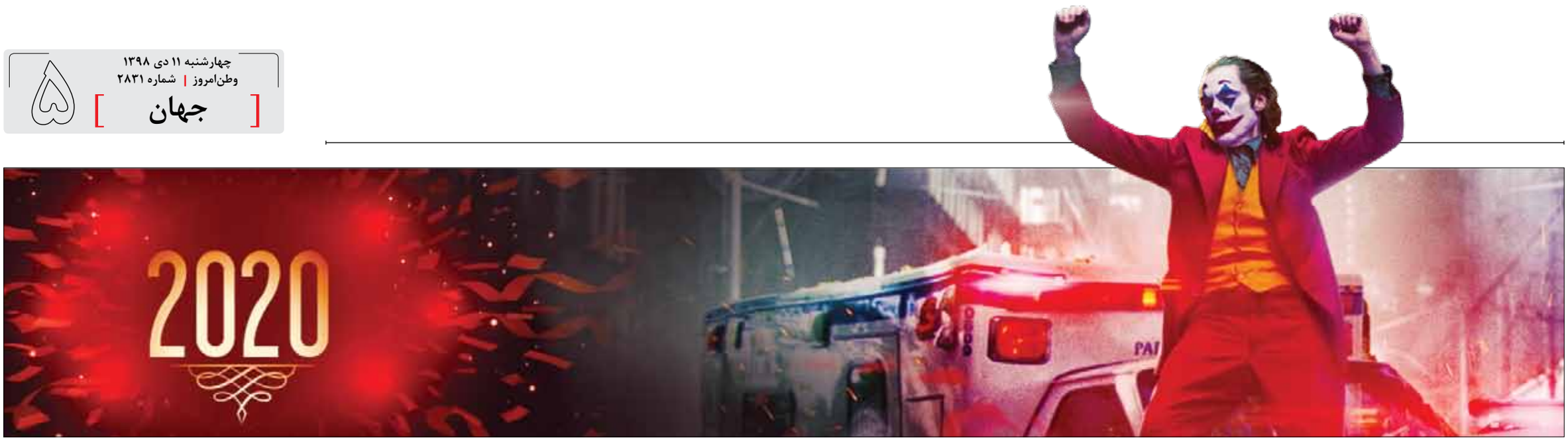

پیش‌بینی‌ها از احتمال بازگشت رکود اقتصادی به ایالات متحده و هرج و مرج اجتماعی در این کشور حکایت می‌کند

آمریکای ۲۰۲۰؛ جوکر شوخی نیست!

علی آران: زمانی بود که می‌گفتند «اگر آمریکا عطسه کند، بقیه کشورهای جهان تب می‌کنند». به نظر می‌رسد سال ۲۰۲۰ سرانجام نوبت تب و لرز آمریکا فرا رسیده باشد.

اگر بزرگ‌ترین بانک ایالات متحده و سرمایه‌دارترین بانک جهان(با احتساب سهام و اوراق قرضه)، هر گزارش دیگری جز آنچه ۳ ماه پیش با مضمون هشدار درباره به‌هم‌ریختگی اقتصادی و اجتماعی کم‌سابقه آمریکا بر اثر توفان جهانی یا «ابربحران ۲۰۲۰» منتشر می‌کرد، مافیای رسانه‌ای- مالی غرب آن را در بوق و کرنا می‌کرد. در عوض این بار طایفه بانکداران صهیونیست بلافاصله پس از پیش‌بینی هرج و مرج اقتصادی سال آتی میلادی توسط بانک آمریکایی «جی.پی مورگان چیس» طبق عادت سنتی اشراف، پای‌شان را روی زمین کشیدند تا صدای گاف بزرگی را که از داخل خود نظام سرمایه‌داری سر زده بود خنثی کنند، بی‌آنکه برای بوی آن چاره‌ای بیندیشند. تابستان امسال وعده‌های ترامپ برای تقویت دلار و شکوفایی مجدد بازار آمریکا، به هجوم خریداران سهام و اوراق قرضه در وال‌استریت و بورس‌های وابسته آسیایی و اروپایی انجامید اما نتیجه آن ۱۷ تریلیون دلار ضرر تضمین‌شده روی دوش خریداران بود. این افراط باعث تفریط در بازار سهام طی پاییز اخیر شد و وقایع مشابه سال ۲۰۰۷ را تداعی کرد که تا سقوط بازار سهام در تابستان ۲۰۰۸ پیش رفت.

تحلیلگران بانک «JPMorgan Chase» بر اساس مدل‌های مختلفی که برای ارزیابی بحران مالی بین‌المللی یک دهه پیش - که از فروپاشی بزرگ‌ترین بانک سرمایه وقت آمریکا یعنی لیمان برادرز آغاز شد و به فروپاشی وال استریت و بازار سهام اروپا و آسیا انجامید- طراحی شده بود، به این نتیجه رسیدند که بحران بعدی در سال ۲۰۲۰ تکرار خواهد شد.

در گزارش کارشناسی ماه سپتامبر «جی.پی مورگان چیس» آمده این پیش‌بینی با توجه به شاخص‌هایی مانند ادامه رشد اقتصادی، سرمایه‌های شرکت‌های بزرگ، ارزش دارایی و سطح نوآوری‌های مالی انجام شده است.

بر این اساس مقیاس جهانی بحران مالی آینده به اندازه سپتامبر سیاه (۲۰۰۸) بزرگ نخواهد بود، زیرا ارزش دارایی‌ها در کشورهای در حال توسعه به‌مراتب پایین‌تر از یک دهه پیش است اما در ایالات متحده قضیه کاملا فرق می‌کند و عواقب بحران جدید در آمریکا از نظر تکانه‌های اجتماعی بیشتر خواهد بود که مشخصا با تعاریفی چون افسردگی عمومی و شورش طبقاتی توسط کارشناسان آمریکایی توصیف شده است. آیا این همان پدیده جوکریسم نیست که هالیوود در سال ۲۰۱۹ به پیشوازش رفته بود؟ پدیده‌ای که از سال ۱۹۶۸ بی‌سابقه بود، یعنی بحران شورش اجتماعی- بویژه توسط نسل جوان- بر اثر بیکاری و گرانی ناشی از رکود شدید و تورم بالا که تا اواسط دهه ۷۰ میلادی نیز تداوم یافت و با سرایت به اروپا به جنبش هیپی‌ها معروف شد. بحرانی که در نهایت به ظهور نظریه شوم «تسهیل مالی» توسط دولت نیکسون انجامید که بر اساس آن با حذف پشتوانه طلای واحد پول ایالات متحده، دلار تبدیل به کاغذی بی‌ارزش شد که به طور نامحدود و بی‌حساب توسط صندوق فدرال منتشر و همراه با مداخلات سیاسی و نظامی روزافزون واشنگتن در گوشه و کنار جهان به خارج از ایالات متحده پمپاژ می‌شد. دلاری که حالا پس از نیم قرن نقدینگی جهانی‌اش چند میلیارد برابر متورم‌تر شده و تنها به لطف در جریان ماندن در اقتصاد جهانی و بازنگشتن آن کاغذپاره‌ها به خود آمریکا، هنوز ارزشش را حفظ کرده است. به قول اسلاوی ژیژک، فیلسوف و جامعه‌شناس معاصر، آمریکا این گونه راهی پیدا کرد تا در ازای کاغذ توالت از کشورهای دیگر جنس و خدمات مجانی دزدی کند.

اما طبق پیش‌بینی ۳ ماه پیش تحلیلگران «جی.پی مورگان چیس»، اقتصاد جهان دیگر ملتهب‌تر از آن است که همه آن کاغذهای توالت را مصرف کند. در نتیجه از این پس چالش‌های سیاسی داخلی آمریکا و حتی برگزیت در بریتانیا همراه با پدیده در حال جهانی شدن شورش طبقات فرودست علیه نظام سیاسی یا همان جوکریسم، به‌منزله بنزین روی آتش بحران اقتصادی سال ۲۰۲۰ یا پس از آن عمل کرده و اول از همه دامن خود آمریکا را می‌گیرد.

تنها راه نجات مفروض این خواهد بود که بانک‌های مرکزی کشورهای هماهنگ با صندوق فدرال (یا بانک مرکزی خصوصی آمریکا تحت کنترل ۷ خاندان بانکدار یهودی) مانع از کاهش شدید ارزش دارایی‌های‌شان شوند که عمدتا به صورت ذخیره ارزی دلاری تلنبار شده‌اند. اما مسأله اینجاست که بر اثر جنگ اقتصادی که ترامپ به راه انداخته، هماهنگی صندوق فدرال با مهم‌ترین همتایان جهانی‌اش از جمله اتحادیه اروپایی، چین، روسیه و هند جای خود را به خصومت نیز داده است و حتی شاید این رقبای شرقی واشنگتن که وابستگی کمتری به دلار دارند، از فرصت پیش‌آمده برای به زمین زدن عمو سام بهره ببرند. مثلا کشورهای پیمان «بریکس» بویژه چین، روسیه و هند، بخشی از مبادلات میان خود و همچنین با اتحادیه اروپایی را بر اساس تبادل مستقیم واحد پول ملی‌شان یا یورو قرار داده‌اند. یا اینکه دولت‌های روسیه و هند اخیرا بخش بزرگی از اوراق بهادارشان در بازار آمریکا را فروخته و تبدیل به پشتوانه طلا کرده‌اند.

این بحران پیش‌بینی شده توسط «جی.پی مورگان چیس»، بانکی که دست‌کم بر ۳ تریلیارد دلار سرمایه نقدی در گردش آمریکا و به قدر چند برابر آن سهام و اوراق بهادار و مستغلات در آمریکا و خارج از آن تسلط دارد، به‌قدری جدی و ملموس است که رسانه‌های مرجع غربی مجبور شدند در ویژه‌نامه‌ها و ویژه‌برنامه‌های‌شان با چشم‌انداز سال آتی، بازگشت رکود اقتصادی را نفی کنند.

پیشاپیش آنها هفته‌نامه انگلیسی «اکونومیست» متعلق به خاندان «روتشیلد» و مدعی اصلی آینده‌بینی در نظام سلطه، در ویژه‌نامه «جهان در ۲۰۲۰» ذیل تیتر «در سال ۲۰۲۰ روی رکود شرط نبندید» چنین تحلیل کرد که ممکن است سال آینده از سرعت اصلاح جهت‌گیری بازار شگفت‌زده شویم.

اکونومیست جوک «پل ساموئلسون» اقتصاددان دهه ۶۰ آمریکایی را مبنای رد در کمین بودن بحران جوکری در آمریکا و اروپا قرار می‌دهد. ساموئلسون هنگام بحران ۱۹۶۸ مزاح کرده بود که سقوط ارزش سهام به پیش‌بینی ۹ مورد از ۵ دوره رکود اقتصادی انجامیده است.

آنها این‌گونه به پیشواز فرضیه ساموئلسون مبنی پیش‌بینی‌ناپذیر بودن بازار سهام همانند بهای نفت یا نرخ برابری ارزها رفتند و این‌گونه نتیجه‌گیری کردند که این بار هم پیش‌بینی رکود بزرگ برای سال ۲۰۲۰ وجاهت لازم را ندارد، چرا که سقوط یا صعود بازار سهام به مولفه‌هایی فراتر از بازار مالی از جمله رویدادهای سیاسی، اقتصادی و نظامی نیز وابسته است. شاید تا یک دهه پیش، یعنی هنگام رکود بزرگ ۲۰۰۸، این فرضیه هنوز در جهان غرب جواب می‌داد اما بعید است خوشبین‌ترین اقتصاددان‌ها آن را با توجه به تحولات شتابان جهان ما که عمدتا ضد سلطه دیرپای آمریکا و اروپا رقم می‌خورند، تایید کنند. در واقع تز ساموئلسون تا زمانی می‌توانست به اصالت کارآمدی قائم به ذات اقتصاد بازار ببالد که تعریفش از جهان سرمایه‌داری، همان تعریف سنتی ۲ سده گذشته یعنی منحصر به آمریکا و اقتصادهای هماهنگ با آن مثل اروپا یا کشورهای تحت سلطه سیاسی و مالی واشنگتن از ژاپن و آسیای شرقی گرفته تا خاورمیانه و آمریکای لاتین بود اما امروز حتی شخص رئیس‌جمهور ایالات متحده، خواه یک مجنون باشد یا یک شارلاتان، سیاست خارجی رسمی کاخ سفید را بر مبنای اعلان جنگ اقتصادی به نصف بیشتر جهان قرار داده است، از جمله شرکا یا زیرمجموعه‌های سابقش در نظام سرمایه‌داری که در حال تبدیل به رقبایی خطرناک هستند. همزمان دونالد ترامپ و تیم جنگ‌طلبش، تهدید جنگ تمام‌عیار و واقعی را هم چاشنی تهدید اقتصادی کرده‌اند تا هیچ راه آشتی با چین، ببرهای خیزان آسیایی، قطب‌های اوراسیا و خاورمیانه و حتی امثال فرانسه باقی نگذارند.

فرضیه ساموئلسون یعنی غیرقابل پیش‌بینی بودن سقوط بازار سهام، بر چند پارامتر سابقا قابل پیش‌بینی دیگر هم استوار بود: برتری هژمونی بین‌المللی آمریکا بویژه از نظر نظامی، دست برتر غرب در فناوری و به تبع آن تولید و پتانسیل اجتماعی و فرهنگی آمریکا و اروپا که از همان برتری اقتصادی ریشه می‌گرفت. اما همان طور که فرید زکریا، دبیر نشریه تایم حدود ۹ سال پیش در مقاله «آیا روزهای خوش آمریکا سرآمده است؟» مطرح کرد، آمریکا دیگر نه برتری نظامی نسبت به جهان دارد و نه دست بالای فناوری و تولید. همچنین او معتقد است ایالات متحده مزیت ابتکار عمل سرمایه‌گذاری برای ساختن آینده را هم از دست داده است.

«فایننشال‌تایمز» دیگر نشریه تخصصی اقتصادی چاپ انگلیس است که همصدا با «اکونومیست» تلاش می‌کند تا با سفسطه وقوع رکود اقتصادی آمریکا در سال ۲۰۲۰ را منکر شود. این روزنامه متعلق به نیکی، غول انتشاراتی ژاپنی، تحت سرمایه‌گذاری مستقیم جترو (سازمان تجارت خارجی ژاپن) به عنوان نهاد اصلی لابی‌گر ژاپن در کنگره و به شکلی معکوس شریک سازمان سیا در کنترل افکار عمومی و مهم‌ترین شریک آسیایی آمریکا- در غیاب یک سازمان اطلاعات مستقل ژاپنی- نیز همانند اکونومیست در مقاله اصلی ویژه‌نامه پیش‌بینی ۲۰۲۰ خود به این موضوع پرداخته است.

البته «فایننشال‌تایمز» با وجود رد پیش‌فرض ورود اقتصاد آمریکا به دوران رکود جدید، اشاره‌ای هم به نظرسنجی اخیر دانشگاه «دوک» دارد که در آن نیمی از صاحب‌نظران مالی برجسته گفته‌اند اقتصاد آمریکا سال آینده وارد رکود خواهد شد. هیچ‌یک از اقتصادهای پیشرفته- غیر از استرالیا- تاکنون چنین دوره‌ای طولانی از رونق را تجربه نکرده‌اند. به‌علاوه نشانه‌هایی وجود دارد که کسب‌وکارهای نگران، در حال کاهش مخارج سرمایه‌گذاری خود هستند.

اما فایننشال‌تایمز همان‌طور که در مقدمه گزارش پیش‌بینی روندهای سال ۲۰۲۰ هم اشاره کرده، عدم تحقق کامل پیش‌بینی‌های منفی درباره سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۱۸ را مبنایی برای خوش‌بینی نسبت به سال آتی دانسته است. البته به این خوش‌خیالی، خوش‌بینی مصرف‌کنندگان آمریکایی به بازار و رسیدن نرخ بیکاری در ایالات متحده به پایین‌ترین سطح تاریخی خود از جمله ایجاد اشتغال در ضعیف‌ترین بخش‌های اقتصاد این کشور در سال گذشته میلادی را افزوده است. حال آنکه حتی بر اساس نظرسنجی‌های اخیر در آمریکا، نسل ترامپ را باید یک نسل بازنده تمام‌عیار و فاقد ارزش‌های پیشین توصیف کرد؛ نسلی که حتی به‌رغم برخورداری از آمار اشتغال بهتر، فاقد اطمینان شغلی و درآمد مکفی نسل‌های گذشته است. این در حالی است که در اقتصادهای خیزان شرق و جنوب آسیا، نسل جدید درآمد و ثبات شغلی بهتری نسبت به پدران و مادران خود دارند. علاوه بر این آنچه نسل ترامپ را در مسیر جوکریسم قرار می‌دهد، ذهنیت مغشوش نسبت به ارزش‌های ملی تعریف‌شده، بی‌شخصیتی و چنددستگی اجتماعی است.

واژه جوکریسم مشخصا با فیلم مورد استقبال قرار گرفته «جوکر» ساخته تاد فیلیپس محصول سال ۲۰۱۹ هالیوود و از دل هشتگ‌های توئیتری در واکنش به پدیده واقعی شورش‌ها در جوامع مختلف متولد شد. اگرچه این تعریف هنوز به طور رسمی توسط جامعه‌شناسان هضم و تبدیل به یک مفهوم کلاسیک نشده اما می‌توان تصور کرد که به راه افتادن موجی از هرج و مرج و مخالفت مدنی با نظام سرمایه‌داری حاکم بر آمریکا، توسط افکار عمومی به عنوان موج جوکریسم تلقی خواهد شد؛ موجی که به معنای پایان کار ترامپ به عنوان جوکر در قدرت و ظهور جوکرها در خیابان‌ها خواهد بود.

چشم‌انداز جهان ۲۰۲۰

انقلاب، المپیک، هرج و مرج

قرار نبود ۲۰۲۰ اینگونه شود که دارد می‌شود؛ سال ترکاندن چینی‌ها با ابراینترنت نسل پنجم یا آنطور که اخیرا در «سیلیکون ولی» باب شده «اسپلینترنت» به معنای شبکه شکافنده. هر چند رسانه‌ها اصرار بر پیش‌بینی وقوع انقلاب فناوری در سال جدید میلادی دارند اما این تنها یک تقلب و تظاهر به شعبده‌بازی با کلاهی است که خرگوش را از مدت‌ها قبل جلوی چشم همه داخل آن کرده بودند.

پروژه آینده‌پژوهی ۲۰۲۰ دست‌کم از ۱۵ سال پیش طراحی و تبلیغ شده بود و از اول هم نوید یک انقلاب فناورانه در همه زمینه‌ها در افق ۲۰۲۰ داده می‌شد. سازمان ناسا و کمیسیون اروپایی پیشاپیش دیگران طرح‌های بلندپروازانه‌ای ارائه داده بودند برای این افق نمادین که می‌توانست مقصد طبیعی خط سیر شتابان پیشرفت فناوری بشری باشد یا صرفا بهره‌برداری غیرطبیعی از ظرفیت تبلیغاتی تکرار عدد ۲۰ در عنوان یک سال عادی. پروژه‌های پرطمطراقی چون برپایی نخستین «ماه شهر» روی قمر زمین و بهره‌برداری از منابع معدنی ماه و مریخ، برداشتن قطعی موانع زبانی توسط مترجم‌های دیجیتالی همراه، جایگزینی گوشی‌های دستی همراه با عینک هوشمند، جایگزینی خودروهای بنزینی زمینی با خودپروازهای خورشیدی و... .

بعضی از اینها تقریبا محقق شده اگرچه هنوز در دسترس اکثریت قریب به اتفاق ما نیست. ظاهرا هم قرار است امسال شاهد چرخش‌های قطعی یا آنطور که مصطلح است، انقلاب بزرگ فناورانه نسبت به ۴ انقلاب صنعتی پیشین بشر باشیم.

نشریه فوربس، در نگاهی به ۷ فناوری برتر سال ۲۰۲۰، حوزه‌های انتقال اطلاعات و دانش عملی بیولوژیک را صاحب سریع‌ترین شتاب پیشرفت دانسته است. این ۷ مورد شامل بهره‌برداری تجاری از هوش مصنوعی، پزشکی انفرادی و پیشگیرانه، بینایی رایانه‌ای، تجمیع واقعیت مجازی (VR) و واقعیت تکامل یافته (AR) و واقعیت درآمیخته (MR) در فناوری واقعیت توسعه‌یافته، خودروها و کشتی‌های خودران، شبکه بلاک‌چین و بالاتر از همه شبکه اطلاعات ۵ جی است.

خب! ظاهرا تمدن بشری چندان هم از برنامه‌هایش برای فردا عقب نمانده؛ با همه اینها با ورود به ۲۰۲۰ باز هم شاهد آه و افسوس آنهایی هستیم که در زاویه نگاه غرب به جهان الینه شده‌اند. شاید به این خاطر که زیرساخت توسعه همه فناوری‌های دیگر حالا در اختیار مردمانی در شرق است نه غرب.

تیغ تحریم‌های آمریکا به هوآوی کارگر نبوده است؛ شرکتی که به طور انحصاری پلت‌فرم ۵ جی را توسعه داده و در حال رونمایی از نخستین شبکه ملی اینترنت نسل پنجم (در چین و کره‌جنوبی) است.

اپل استورها را فراموش کنید. تنها رقیب جدی هوآوی هم چینی است؛ شیائومی! همین حالا مهم‌ترین شخصیت‌های جهان برای خرید نسل اول گوشی‌های ۵ جی در مقابل فروشگاه مرکزی هوآوی در شنزن صف کشیده‌اند. در فاز اول فقط چند هزار گوشی فروخته می‌شود که سرعت پایه هر گوشی حداقل ۷ برابر گوشی آیفون ۱۱ اپل خواهد بود. مطمئنا با دیدن نخستین گوشی نسل پنجم هوآوی، سر تیم کوک، مدیر اجرایی اپل به همین سرعت گیج خواهد رفت.

این دیگر یک اینترنت فوق پرسرعت نیست که صفحه گوشی یا رایانه‌مان را به طور بی‌وقفه به شبکه جهانی متصل کند، بلکه باعث تغییر در ادراک محیطی‌مان می‌شود و به‌واسطه تعامل بی‌وقفه بدن و حواس ما با جهان مجازی و حقیقی پیرامون، تعاریف حقوقی و شغلی نیز دچار تغییرات جدی خواهد شد، هر چند نمی‌توان گفت الزاما بشریت برنده این فناوری جدید خواهد بود. در هر حال این به معنای حذف پیش‌فرض همیشگی آمریکایی بودن اینترنت است. به همین دلیل فایننشال‌تایمز پیش‌بینی کرده چین نه‌تنها با بهره‌برداری از این زیرساخت به رهبر جهانی اینترنت تبدیل می‌شود، بلکه تا پایان ۲۰۲۰ تقریبا در تمام حوزه‌های دیگر فناوری نیز دست بالاتر را خواهد داشت.

قرار است ژاپنی‌ها که خود در جنگ فناوری با کره‌ای‌ها هستند، برای تسلای خاطر این عقب‌ماندگی از چشم‌بادامی‌های همسایه‌شان در مشارکت با شرکت آمریکایی اینتل، مدل کوچکی از شبکه انتقال اطلاعات ۵ جی را در دهکده المپیک امسال توکیو بهره‌برداری کنند. این وجهی پست‌مدرن از المپیک ۲۰۲۰ ارائه می‌کند حال آنکه محرومیت کامل کاروان ورزشی روسیه از این رقابت‌ها با حکم کمیته المپیک که بشدت تحت نفوذ آمریکا و اروپاست، حاوی تصویر موازی و قهقرایی از تحریم‌های متقابل المپیک دوران جنگ سرد توسط بلوک‌های شرق و غرب است.

این می‌تواند به منزله کارت سفیدی برای روسیه پوتین باشد تا در میدان‌های فراورزشی عزم خود را برای بازیابی قدرت اتحاد جماهیر شوروی در صحنه جهانی به نمایش بگذارد. از سوی دیگر دولت ترامپ با موانع جدی برای محقق کردن چشم‌انداز «دوباره بزرگ کردن آمریکا» مواجه است. هژمونی نظامی پنتاگون نه‌تنها به‌خاطر اختلافات درون ناتو دچار سردرگمی شده، بلکه همزمان با از دست رفتن نفوذ سنتی‌اش در خاورمیانه، نتوانسته جای پای خود را در شرق دور هم سفت کند. محور مقاومت ایران از مدیترانه تا اقیانوس هند با رزمایش دریایی مشترک اخیر با ۲ رقیب اصلی آمریکا یعنی چین و روسیه تجسم ژئوپلیتیک یافته و معضل هسته‌ای کره‌شمالی نیز به همراه توسعه‌طلبی دریایی و سرزمینی اژدهای زرد در شرق آسیا به قوت خود باقی است. در همین حال ۲ ابرقدرت هسته‌ای غربی و شرقی، تقریبا از تمام پیمان‌های بازدارنده تسلیحات متعارف و غیرمتعارف بیرون آمده‌اند. اینکه آمریکا نتوانسته با روسیه به احیای توافقی چنین حیاتی برای کره زمین دست یابد، نشانه فقدان ذهنیت و اراده مدیریت جامع بین‌المللی در کاخ سفید است. با افول توأمان سلطه نظامی و نقش کدخدایی آمریکا در جهان، بیم هرج و مرج‌های منطقه‌ای علیه نظم موجود بین‌المللی افزایش می‌یابد.

به پیشواز رویدادهای ۲۰۲۰

ترامپ در سال مریخ

مهدی تقوی: سال ۲۰۲۰ حتی پیش از آنکه آغاز شود سالی نمادین برای غرب محسوب می‌شد اما با آغاز آن، سایه جنگ، رکود اقتصادی، فروپاشی، هرج‌ومرج و وحشت عقب ماندن از رقبای شرقی، مهم‌ترین چشم‌اندازهایی است که نسبت به این سال میلادی برای آنها باقی مانده است.

■ **ژانویه**

سال سخت ترامپ: سالی که با استیضاح در سنا شروع شود، حتی اگر این استیضاح به قیمت برکناری دونالد ترامپ از ریاست‌جمهوری منجر نشود، قطعا سال طاقت‌فرسایی برای او خواهد بود بویژه که این سال به انتخابات ریاست‌جمهوری نفسگیری ختم خواهد شد که شاید او را مجبور به ترک کاخ سفید کند.

آغاز برگزیت: در آخرین روز نخستین ماه سال جدید میلادی، اکثریت قاطع محافظه‌کاران وست مینیستر به رهبری بوریس جانسون، بررسی نحوه خروج بریتانیا از اتحادیه اروپایی پس از ۴۷ سال را به پایان رسانده و قرارداد نهایی را برای پارلمان اروپا ارسال می‌کنند که پیش‌بینی می‌شود بدون مشکل خاصی توسط نمایندگان ۲۷ کشور عضو به تصویب برسد.

■ **فوریه**

انتخابات مجلس ایران: انتخابات اسفندماه ایران از آن رو اهمیت بین‌المللی دارد که مشخص می‌شود آیا جناح غرب‌گرای حامی دولت روحانی، بویژه پس از سوءمدیریت و ناکارآمدی تاریخی آن و به دنبال اعتراضات گسترده، هنوز پشتوانه مردمی دارد یا خیر. افتادن مجلس به دست طیف جدید اصولگرایان می‌تواند به منزله چراغ سبزی اجتماعی به روی کار آمدن یک دولت مقتدر به جای تکنوکرات‌ها و لیبرال‌های فعلی باشد. این ضربه بزرگی به سیاست «فشار حداکثری» واشنگتن بر ایران وارد خواهد آورد، چرا که حربه ترامپ برای برخورد سخت با آغوش نرم روحانی را باطل خواهد کرد.

■ **مارس**

توافق پسابرگزیت: اول مارس، با انقضای دوره انتقالی خروج بریتانیا از اتحادیه اروپایی، لندن و بروکسل، مذاکرات برای توافق جدید در دوران پسابرگزیت را آغاز خواهند کرد. جانسون تا آخرین روز سال فرصت خواهد داشت در چانه‌زنی با اروپایی‌ها نشان دهد جربزه نخست‌وزیری دارد یا خیر بویژه که تاکید او بر حذف تمام تعرفه‌ها و سهمیه‌های تجاری، سنگ بزرگی است به نشانه نزدن.

■ **آوریل**

قانون اساسی جدید شیلی: نخستین قانون اساسی مصوب دوران پس از دیکتاتوری آگوستو پینوشه در شیلی به اجرا گذاشته می‌شود که با توجه به شورش‌های عمومی اخیر ضد دولت غرب‌گرای فعلی در این کشور می‌تواند شیلی را همچنان به عنوان الگوی یک کشور لاتین مستقل از آمریکا معرفی کند.

■ **مه**

انتخابات شوراهای بریتانیا: این نخستین فرصت جدی برای حزب کارگر و رهبری جدیدش خواهد بود تا پس از شکست انتخاباتی سنگین پاییز گذشته از محافظه‌کاران، خود را از زیر سایه آنها بیرون بکشد.

■ **ژوئن**

یورو ۲۰۲۰: جام ملت‌های فوتبال اروپا برای نخستین‌بار به شکلی غیرمتعارف به میزبانی ۱۲ کشور و با حضور ۲۴ تیم‌ملی به مدت یک ماه برگزار می‌شود. مثلا باکو، پایتخت جمهوری آذربایجان در غیاب تیم‌ملی این کشور میزبان ملی‌پوشان ترکیه خواهد بود!

■ **جولای**

نامزد دموکرات: روز ۱۳ جولای هیات‌های حزب دموکرات از سراسر ایالات متحده در شهر میلواکی از ایالت ویسکانسین گرد هم می‌آیند تا طی همایشی ۳ روزه، نامزد واحد حزب برای رویارویی با دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور فعلی و نامزد تقریبا قطعی حزب جمهوری‌خواه را انتخاب کنند. طبق گمانه‌زنی‌ها ۲ پیرمرد نام‌آشنا و یک جوان، مهم‌ترین گزینه‌های نامزدی دموکرات‌ها برای پست ریاست‌جمهوری و معاون او هستند.

المپیک توکیو: المپیک تابستانی بعد از ۱۲ سال به آسیا بازمی‌گردد و توکیو بعد از ۵۲ سال دوباره میزبان آن خواهد بود. این نخستین رویداد مهم ورزشی خواهد بود که روس‌ها به اتهام دوپینگ سازماندهی‌شده با حکم کمیته جهانی از آن محروم خواهند بود اما محرومیت یک رقیب بزرگ ورزشی و سیاسی آمریکا از توکیوی ۲۰۲۰ بیشتر تحریم متقابل المپیک‌های ۱۹۸۰ مسکو و ۱۹۸۴ لس‌آنجلس توسط بلوک‌های غرب و شرق را تداعی می‌کند.

عملیات مریخ: ناسا روز ۱۷ جولای فضاپیمای تحقیقاتی‌اش را به مریخ گسیل می‌کند. آمریکایی‌ها در ماجراجویی روی سیاره سرخ تنها نیستند و سفینه‌های چینی‌ها، اروپایی‌ها و حتی اماراتی‌ها هم به دنبال آنها به مریخ می‌روند.

■ **اکتبر**

دوبی اکسپو: نمایشگاه جهانی در حالی برای نخستین‌بار در خاورمیانه و به میزبانی امارات عربی متحده برگزار می‌شود که خلیج‌فارس داغ‌ترین تحولات را پشت سر می‌گذارد. درست زمانی که ایران اقتدار سنتی خود در حوزه آب‌های جنوبی‌اش را با نخستین رزمایش دریایی مشترک با چین و روسیه تکمیل کرده است تا پس از ۲ سده حضور آمریکا و انگلیس در آب‌های منطقه تا حد زیادی به چالش کشیده شود.

■ **نوامبر**

انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا: در سومین روز این ماه، ترامپ برای بقا در کاخ سفید با یکی از نامزدهای احتمالا مسن دموکرات یعنی سندرز یا بایدن پای صندوق‌های رای خواهد جنگید. با وجود امیدواری‌های اولیه، به نظر نمی‌رسد نامزد جمهوری‌خواهان کار آسانی در مقابل رقیب دموکرات خود داشته باشد، خاصه اگر طبق پیش‌بینی‌های موجود، در چهارمین سال زمامداری ترامپ، اوضاع اقتصادی آمریکا بر خلاف وعده‌های او آشفته شود.

جی ۲۰ ریاض: طی روزهای اول و دوم آذرماه، اجلاس گروه ۲۰ برای نخستین‌بار در خاورمیانه به میزبانی عربستان برگزار می‌شود. سعودی‌ها به زور دلارهای نفتی از سال ۲۰۰۸ وارد جی ۲۰ شده‌اند و تنها کشور خام‌فروش میان ۲۰ کشور عضو محسوب می‌شوند.

■ **دسامبر**

یادبود بتهوون: روز هفدهم این ماه، مراسم دویست‌وپنجاهمین سالگرد تولد بزرگ‌ترین موسیقیدان و آهنگساز تاریخ آلمان و چه بسا اروپا، لودویگ فن بتهوون در بن، زادگاه او برگزار می‌شود. سرود رسمی اتحادیه اروپایی در حقیقت چیزی نیست جز اقتباسی از قطعه «آد د جوی»، از موومان نهایی سمفونی مشهور نهم بتهوون. به همین دلیل این مناسبت اهمیت نمادین خاصی برای سران اتحادیه اروپایی دارد اما دانستن این نکته خالی از لطف نیست که آهنگساز برجسته ژرمن، پس از آنکه در اوج بحران ناشنوایی خود سمفونی نهم را به افتخار رویای اروپای واحد ناپلئون بناپارت نوشت، پس از مواجهه با بی‌مهری کشورگشای قرن نوزدهمی فرانسوی، صفحات سمفونی‌اش را همراه با رویای اروپای واحد نابود کرد.